کنگره ملی
مدیریت و برنامه ریزی شهری نوین
National Congress of
innovative management and urban planning
فراخوان مقاله
ایران – تهران – دانشگاه تهران
۲شهریور ماه ۱۳۹۶

تحلیل اثر ویژگی‌های اقلیمی بر انتخاب نوع مصالح بومی روستایی گیلان

مائده پیک موسوی[۱]*، نیما ولی بیگ[۲]، مصطفی کیانی[۳]
[۱] کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان، m_peik@yahoo.com
[۲] استادیار مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، *n.valibeig*@aui.ac.ir
[۳] دانشیار معماری، دانشگاه هنر تهران، mkianie@hotmail.com

چکیده:

میراث معماری بومی روستایی گیلان به علت فرسایش سریع ناشی از اقلیم، تغییرالگوی زندگی، هجوم ویلاسازی شهرنشینان و... به سرعت در معرض فراموشی است و شایسته است که باری دیگر به ارزش‌ها و اصول این نوع معماری پرداخته شود و با مستندنگاری از آنها، ضمن حفظ آنها به عنوان میراث، از اصول پایدار لحاظ شده در آن برای معماری امروز استفاده شود، یکی از اجزای این معماری، مصالح سازنده بنا بوده است، این مصالح دارای خواصی بودند که علی رغم نبود تکنولوژی و اقتصاد فقیر، به بهترین نحو در ساخت به کار بسته می‌شدند. این مقاله برآنست تنوع مصالح ساخت معماری روستایی بومی گیلان را برشمرد و این موضوع را بررسی نماید که مصالح در معماری بومی گیلان چگونه انتخاب می‌شدند. این مقاله از نظر هدف؛ توسعه‌ای و از نظر روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحقیقی کیفی بر پایه تبیین و تحلیل است، داده‌های این مقاله از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. یافته‌های مقاله حکایت از آن دارد که براساس وضعیت اقلیمی خاص گیلان(باران بسیار و رطوبت نسبی بالا)؛ سهم عمده مصالح گیاهی و بومی منطقه بوده است، استفاده از انواع چوب باتوجه به خواص آنها و نیاز ساختمانی متفاوت بوده است، از این رو شاهد استفاده از انواع قطاع از درختان بوده با این وجود در این معماری فرایند تولید و فرآوری به صورت ساده با حداقل امکانات بوده است. عامل مؤثر بر انتخاب این مصالح در بنا، محیط جغرافیایی و اقلیم محلی بوده و هر چه بر شدت سرما و ارتفاع منطقه افزوده می‌شد مصالح با جرم حرارتی بیشتر به عنوان مصالح ساخت به کار گرفته می‌شدند.

واژگان کلیدی: معماری گیلان، خانه روستایی، مصالح بومی، اقلیم محلی.

۱-مقدمه

امروزه با تولید مصالح ساختمانی گوناگون و فراهم شدن امکانات جابه‌جایی این مصالح به روستاها، مصالح متنوع‌تری در اختیار ساخت روستایی قرار دارد اما عدم مطابقت مصالح با استانداردهای معمول، نبود مهارت کافی معماران محلی و کارگر بومی در استفاده از این مصالح جدید و عدم سنخیت با سیمای روستا و آب‌و هوا و شرایط اقلیمی روستا از جمله مشکلاتی است که استفاده بدون شناخت دقیق این مصالح در روستاها بوجود آورده است[۱]، درحالی‌که سازندگان ابتدائی و بومی شناخت وسیعی از نحوه کارکرد مصالح و عکس‌العمل و خواص مصالح داشته‌اند؛ این شناخت نه‌تنها نسبت به